

یک گزارش تحلیلی و موشکافانه از جریان‌های درونی دفتر تحکیم وحدت

جنبش دانشجویی ایران؛
اضمحلال، دودستگی یا موجودیت و پترینی؟!

داشته و توانسته است فعالیت‌های سیاسی آنان را سامان دهد. اگرچه دفتر تحکیم وحدت که نام مختصر شده دفتر تحکیم وحدت حوزه و دانشگاه است، همانند گذشته ادعای رهبری و هدایت جنبش دانشجویی و یا آن طور که برخی فعالان سیاسی می‌گویند جریان دانشجویی را دارد، اما خود در درون با مشکلات عدیده‌ای روبروست.

اینان می‌گویند جنبش یا جریان دانشجویی امروز چنان در چنبره مشکلات گرفتار شده که دفتر تحکیم وحدت را مجبور کرده تا از فعالیت‌های تبلیغی خود بکاهد و سکوت پیشه سازد، چنانکه برخی چهره‌های این دفتر از هواداران خود خواسته‌اند تا با کم کردن

داشته باشد.

به واقع، دفتر تحکیم وحدت که تا همین اواخر یکی از موتورهای محرکه دنیای سیاست در ایران بود، به چه وضعی دچار شده، چه سرنوشتی در انتظار آن است؟

رهبران کنونی این دفتر می‌کوشند از انعکاس اخبار تضادها، اختلافات و انشعاب‌های در شرف وقوع به خارج جلوگیری کنند، به همین دلیل نیز از انجام نسل گذشته رهبران این دفتر که اکنون دارای سمت‌های اجرایی و حساس هستند، نیز همین رویه را در پیش گرفته‌اند. لذا مدت زمان زیادی طول کشید تا

در آستانه سال جدید تحصیلی و شروع کار دانشگاه‌ها، انجمن اسلامی دانشگاه تهران و علوم پزشکی تهران، بیانیه‌ای منتشر کردند که مفاد آن به شایعاتی که در مورد تزلزل موجودیت مهم‌ترین تشکل دانشجویی کشور یعنی دفتر تحکیم وحدت، و حتی خطر فروپاشی آن از مدتها قبل بر سر زبانها بود، جنبه واقعیت داد.

گرچه متن کامل این بیانیه در مطبوعات انعکاس نیافت (و تعدادی از نشریات حتی از درج خلاصه آن نیز خودداری کردند)، معذرا از خلال همان مختصری که در تعدادی از روزنامه‌ها انعکاس یافت، می‌شد به عمق بحرانی که دفتر تحکیم وحدت با آن روبه‌رو است، پی برد. در این بیانیه خواندیم که:

«امروز متأسفانه دست‌هایی در کارند تا در مجموعه اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان (دفتر تحکیم وحدت) که افتخار دارد نام خود را از کلام معمار کبیر انقلاب گرفته است، تفرق و انشعاب ایجاد کنند. خط سیر تاریخی دانشجویان مسلمان پیرو خط امام در این اتحادیه و مقابله با جریان‌های راست و اقتدارگرا موجب اراده‌ای کینه‌ورزانه برای برچیدن یا فروپاشی و یا ایجاد و تقویت جریان‌های موازی توسط آنان گردیده است و از طرف دیگر، گروه‌ها و دسته‌جات مختلف سیاسی با نفوذ و یارگیری در گسترده‌ترین و اصیل‌ترین اتحادیه دانشجویی ایران به منافع قابل توجه دست خواهند یافت.»

در این بیانیه و برخی بیانیه‌های مشابه، به دلیل تمرکز توجه رسانه‌ها و مردم به رویدادهای مربوط به انفجارهای انتحاری در واشنگتن و نیویورک، چندان جلب توجه نکرد، در حالی که نقش دفتر تحکیم وحدت در رویدادهای پس از انقلاب چنان محوری بوده که چنین بیانیه‌ای می‌بایست مباحث گسترده‌ای را در پی

عده‌ای برای رسیدن به مناصب حکومتی از "رانت جنبش دانشجویی" استفاده کردند و به رغم عدم شایستگی خودشان، وارد ارکان قدرت شدند

مصاحبه‌های مطبوعاتی از تعمیق مشکل جلوگیری کنند. هم‌چنین اعضای دفتر تحکیم وحدت با استمداد از برخی چهره‌های شاخص اصلاح طلب، مانند آقایان سعید حجاریان، عباس عبدی، حمیدرضا جلالی پور، علیرضا علوی تبار و... از آنان برای میانجی‌گری و حل اختلاف درون تشکیلاتی خویش یاری خواسته‌اند.

اما هر چند اکثر مدعوین میانجی‌گر، از مصاحبه و تشریح مشکل پیش آمده در دفتر تحکیم وحدت خودداری کردند و حتی آقای جلالی پور در گفت‌وگو با خبرنگار ما، انجام مصاحبه پیرامون جنبش دانشجویی را به پس از حل مشکل در دفتر تحکیم

اطلاعاتی که در زیر عرضه کرده‌ایم، تهیه شود. برای پی بردن به دلایلی که دفتر تحکیم وحدت را که از اواخر دوران ریاست جمهوری آقای هاشمی رفسنجانی و قبل از دوم خرداد نقش کلیدی در تحولات سیاسی داشته به شرایط کنونی کشاند، لازم است ابتدا پیشینه و عملکرد این دفتر را به اجمال مرور کنیم:

بیست سال قبل در اوایل دهه شصت و پس از پایان ماجرای تسخیر سفارت آمریکا در تهران تشکیلی پایه عرصه وجود گذاشت که بعدا داعیه دار رهبری دانشجویان شد. این تشکل به عقیده بسیاری از آگاهان سیاسی، تاکنون رهبری معنوی دانشجویان را بر عهده

وحدت موکول کرد، اما چنان که در گزارش ذیل می‌خوانید برخی از دانشجویان فعال در دفتر تحکیم وحدت که خود نَحله‌های فکری مختلفی را نمایندگی می‌کنند از مصاحبه و گفت‌وگو با مطبوعات و رسانه‌ها و حتی برخی رسانه‌های خارجی خودداری نکردند. چنانکه در هنگام برپایی نشست گیلان، برخی روزنامه‌های صبح جمعه، ۲۲ شهریورماه، در حالی جزئیات این نشست را چاپ کرده بودند که در همان حال جزئیات یک جلسه موازی که همزمان در تهران برگزار شده بود نیز در میان صفحات همان روزنامه‌ها به چشم می‌خورد.

اکنون قریب به چهار هفته از آن تاریخ می‌گذرد و در این مدت هر چند مذاکرات فی‌مابین گروه‌ها و دسته‌های مختلف دفتر تحکیم وحدت ادامه داشته اما تاکنون دستیابی به یک راه حل مشترک و مورد فاق همگان ممکن نشده است و هرچند حصول این راه غیرممکن به نظر نمی‌رسد اما آسان هم نیست و ترسیم چشم‌انداز قطعی آن تاکنون میسر نشده است.

لازم است یادآور شویم پس از پایان ماجرای گروگان‌گیری در سفارت آمریکا و پایان کار دانشجویان پیرو خط امام، گروهی از دانشجویان پیرو خط امام (ره) که خود در انجمن‌ها و گروه‌های اسلامی دانشجویی قبل و بعد از انقلاب نقش فعال داشتند به همراهی برخی روحانیون نظیر آیت‌الله موسوی خویینی‌ها به فکر ایجاد تشکیلی برای پیگیری مسأله وحدت میان حوزه و دانشگاه و هدایت فعالیت‌های سیاسی در درون دانشگاه‌ها افتادند و دفتر تحکیم وحدت بین حوزه و دانشگاه را تشکیل دادند.

این تشکل در همین زمان برای ایجاد انسجام و نظم تشکیلاتی، اساسنامه و مرامنامه‌ای برای خود تدوین کرد و کوشید تا از پدیده آمدن چندگونگی تشکیلاتی احتراز جوید. در این رابطه مقرر شد که دفتر تحکیم وحدت دارای شورای مرکزی مرکب از هفت نفر اصلی و سه نفر علی‌البدل باشد که هر سال، در نشست سالانه این دفتر انتخاب شوند. هم‌چنین برای بررسی صلاحیت‌های عمومی نامزدان عضویت در شورای مرکزی مقرر شد یک شورای سه نفره به نام شورای تحقیق، در نشست پیش از نشست سالانه (به نام نشست ماقبل سالانه) از میان نمایندگان حاضر انتخاب شوند و صلاحیت‌های عمومی نامزدها و کارنامه یک ساله شورای مرکزی انتخاب شده را بررسی کنند و به اطلاع نشست بعدی برسانند.

با این اساسنامه، کم‌کم چهره دفتر تحکیم وحدت سیاسی تر شد و مراسم سالروز تسخیر لانه جاسوسی

در ۱۲ آبان ماه هر سال که یادآور تلاش پایه‌گذاران دفتر تحکیم وحدت بود، به مهم‌ترین مراسم عمومی این دفتر تبدیل گردید.

با گذشت زمان و جدایی مجمع روحانیون مبارزان جامعه روحانیت مبارز، به دلیل ارتباط نزدیک برخی چهره‌های مجمع روحانیون مبارز مانند آقایان خویینی‌ها، محتشمی‌پور، منتجب‌نیا و... دفتر تحکیم وحدت به سمت حمایت از مجمع روحانیون مبارز تغییر مسیر داد و حمایت از این گروه و برخی گروه‌های سیاسی موسوم به چپ (مانند سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و...) در دستور کار دفتر قرار گرفت. چنانکه پس از سال ۱۳۷۲ که جناح محافظه‌کار به طور کامل صحنه‌های قدرت را تصرف کرد و جناح چپ به ویژه هواداران مجمع روحانیون مبارز و سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، به حاشیه رانده شدند، دفتر تحکیم وحدت نیز دچار مخاطره شد و حضور در صحنه سیاسی جامع را کاهش داد و درست هنگامی که هواداران محافظه‌کاران در شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی، آخرین سنگر اجتماعی دفتر تحکیم وحدت - تولیت مراسم ۱۳ آبان - را فتح کرد، به نظر رسید که این دفتر کاملاً در حاشیه قرار گرفته است.

با پیروزی چهره‌های اصلی و نواندیشان جناح چپ، که اکنون به اصلاح طلبان مشهور هستند، همانطور که اکثر گروه‌های هوادار دوم خرداد جانی تازه گرفتند و جایگاهی نوین یافتند، جایگاه دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه‌ها تقویت شد و به دلیل هواداری از نامزد پیروز دوم خرداد ۷۶، این دفتر توانست نقش خود در معادلات سیاسی را باز یابد.

در این میان، جناح مقابل نیز تلاش کرد با حضور در تظاهرات دانشجویی، اقدامات آنان را خنثی سازد و بدین ترتیب، هزینه‌های حضور دانشجویان در اجتماع بالا رفت. با وقوع رویداد ۱۸ تیرماه، زد و خورد با مأموران و عوامل مخالف در خوابگاه امیرآباد و رویدادهای بعدی، این هزینه به اوج سنگینی رسید و نگرانی دانشجویان را از اقدام هواداران جناح محافظه‌کار تشدید کرد.

در این میان، دفتر تحکیم وحدت برای نمایش توان و اراده خود از حرکت باز نایستاد و با تغییر جغرافیایی اجتماعات خویش از خیابان‌ها به درون دانشگاه‌ها، نوعی تغییر تاکتیک را در فعالیت‌های سیاسی خویش به وجود آورد.

با وقوع حادثه خرم‌آباد و آغاز کشیده شدن پای دانشجویان به محاکم قضایی، جریان دانشجویی کشور، ناگهان از غیرقابل تحمل شدن هزینه فعالیت

سیاسی مطلع شد.

بازندانی شدن برخی چهره‌های دانشجویی، آن‌هم به اتهام براندازی، دفتر تحکیم وحدت دانست که از این پس، تغییر تاکتیک و یا حتی تغییر چهره فعالیت سیاسی نیز نمی‌تواند کار ساز باشد.

حرکت‌های دانشجویی: جنبش یا جریان؟

پاسخ به این سؤال در واقع یکی از محورهای مهم تضاد موجود در دفتر تحکیم وحدت است. چنانکه برخی با جریان نامیدن این حرکت عملاً وجود رهبر برای حرکت‌های دانشجویی را نفی کرده و از آن، استقلال کامل مجموعه انجمن‌های اسلامی را نتیجه می‌گیرند. اما آیا این حرکت‌ها واقعا جنبش است؟ آقای پهلوان نصیر، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه علم و صنعت، ضمن آنکه تأکید می‌کند که حرکت‌های دانشجویی حتی پیش از وقوع دوم خرداد ۱۳۷۶ نیز جنبش بوده و حرکتی مثبت داشته است، توضیح می‌دهد: من فکر می‌کنم که قبل از وقوع دوم خرداد و به روی کار آمدن آقای خاتمی این جنبش وجود داشت، اما فاقد بازتاب و برون‌داد لازم بود. بعد از دوم خرداد، با وقوع بودن، بالفعل شد و نمود عینی پیدا کرد. حتی از جهاتی نیز می‌توان گفت که اکنون از انسجام جنبش دانشجویی کشور کاسته شده و آن جنبش تضعیف گردیده است.

آقای عبدالله مومنی، عضو شورای تحقیق ۱۳۷۹ نیز ضمن تأیید اطلاق واژه جنبش به حرکت‌های دانشجویی می‌گوید که سابقه وجود این جنبش به پیش از پیروزی انقلاب اسلامی باز می‌گردد. در نگاهی به حرکت‌های دانشجویی چه قبل و چه بعد از انقلاب، مشاهده می‌کنیم که برنامه‌ای به عنوان محور برنامه‌های دانشجویی وجود داشته است. به نظر من، می‌توان لفظ جنبش را برای جریان دانشجویی به کار برد. اما قبل از انقلاب ممکن است این حرکت‌ها چندان سازمان‌دهی نشده باشد.

آقای مؤمنی درباره تعامل جنبش دانشجویی با دوم خرداد به این نکته اشاره می‌کند که دوم خرداد عقلانیت و قانون‌گرایی در جریان دانشجویی را نهادینه ساخت و جنبش دانشجویی را از صورتی رادیکالی و تند به قانون‌مند تغییر داد.

در عین حال، افرادی نیز هستند که اطلاق نام جنبش به حرکت‌های دانشجویی را اطلاق نادرست می‌دانند. آقای ناصر براتی، معاون دبیر انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف و نماینده این انجمن در دفتر تحکیم وحدت، در این باره می‌گوید: من معتقدم پس از انقلاب و حتی پس از خرداد ۷۶، جنبش دانشجویی در ایران به وجود نیامد. جنبش تعریف

خاص خودش را دارد یعنی حرکتان نه مبنای تئوریک داشت و نه رهبر، شاید در قالب خصلت های حزبی که پیدا کرده بود بتوان به آن جنبش لقب داد ولی وقتی دفتر تحکیم وحدت به عنوان یک نهاد تقریباً حکومتی وارد صحنه سیاسی می شود و به هر حال، رهبری حضرت امام (ره) را به طور جدی در نظر دارد، اتحادیه بر این اساس عمل می کند و از احزاب تأثیر می پذیرد، پس حرکت دانشجویی به نوعی از سوی جریانات سیاسی رهبری شده است اما آن رهبری که مدنظر یک جنبش دانشجویی است، تاکنون وجود نداشته است.

دفتر تحکیم وحدت، رهبر حرکت های دانشجویی یا...

دفتر تحکیم وحدت که اکنون بزرگترین و فراگیرترین تشکل دانشجویی در کشور است و به دلیل برخورداری از ارتباطی فعال و منسجم با دانشجویان توانسته نقش واسطه را در تعامل نخبگان و قدرت سیاسی کشور با دانشجویان ایفاء کند، با این همه، هنوز این پرسش باقی است که آیا می توان این دفتر را رهبر و یا پدر معنوی حرکت های دانشجویی دانست؟ پاسخ به این پرسش چندان ساده نیست. چه حتی در میان اعضای انجمن های اسلامی دانشجویان نیز باورهایی مبنی بر استقلال این انجمن از دفتر تحکیم وحدت وجود دارد. این پرسش که اکنون با ورود برخی چهره های پیشین دفتر تحکیم وحدت به دولت و یا مجلس شورای اسلامی و متهم شدن دفتر به همدستی با قدرت سیاسی کشور، صورتی پیچیده به خود گرفته، از دیگر مشکلات موجود این نهاد، به شمار می رود، چنانکه عده ای که به هر حال، تعامل فعلی دفتر تحکیم با حکومت اصلاح طلبان را می پذیرند و از این منظر، به قدرت سیاسی می نگرند، فراقسیون موسوم به سنتی را تشکیل می دهند و دیگران که به گفته خود، نگاه نقادانه به قدرت دارند، در فراقسیون مدرن جای گرفته اند.

آقای پهلوان نصیر - که از جمله عناصر فراقسیون سنتی است - درباره نقش دفتر تحکیم وحدت در جنبش دانشجویی می گوید: **بله! دفتر تحکیم وحدت رهبر جنبش دانشجویی بوده و هست، چون در مجموعه دانشگاه های تک تشکیل فراگیر که بتواند اکثریت دانشجویان را تحت پوشش قرار دهد، وجود نداشته و هنوز هم اگر قرار شود سازمانی این کار را انجام دهد، فقط دفتر تحکیم وحدت است که می تواند این پوشش فراگیر را بدهد، چون هیچ یک از نهاد های دیگر نمی تواند جای دفتر تحکیم را پر کند.**

وی درباره راه یابی برخی عناصر دفتر تحکیم وحدت به نهادهای حکومتی پس از دوم خرداد ۷۶ ابراز عقیده می کند: **ببینید، آنچه الان در اذهان عمومی وجود دارد و به نظر من اشتباه است، این است که دفتر تحکیم وحدت پله ای برای رسیدن عده ای به قدرت شد. حتی میان دانشجویان هم این بحث هست که دفتر تحکیم وحدت پله دولت و یا رهروی مجلس شده است. اما واقعا این طور نبود.**

ماجرا به این قرار بود که او آخر سال ۷۶ آن دسته از بچه هایی که پیش از دوم خرداد و یا آن هنگام، فعال بودند به دلیل فارغ التحصیلی تقریباً از مجموعه دفتر جدا شده بودند و به دلیل تجربه کاری و فعالیت تشکیلاتی قوی در دفتر تحکیم وحدت، از پتانسیل خوبی برای همراهی با دولت برخوردار بودند. در این هنگام، دولت اصلاحات که با خلاء نیرو مواجه شده بود، به دلیل نیاز به این افراد، آنها را جذب کرد و عده ای دیگر از این افراد از طریق رأی مردم به مجلس اصلاحات راه یافتند.

البته من فکر نمی کنم این مسأله مجدداً به صورتی قابل ملاحظه تکرار شود.

اماد مقابل آقای مؤمنی اصرار می ورزد که دفتر تحکیم وحدت، رهبر جنبش دانشجویی نیست. او می گوید: هرگز نمی توان گفت که دفتر تحکیم وحدت کلیت جنبش دانشجویی را رهبری می کند اگر ما بخواهیم نماد جنبش دانشجویی را معرفی کنیم، این بازمی گردد به پارلمان دانشجویی که تمام دانشجویان را رهبری می کند. اما با توجه به زمان کنونی که بحث پارلمان دانشجویی وجود ندارد، دفتر تحکیم وحدت به عنوان یک جریان مشروع و با هویتی که طی بیست و دو سه سال اخیر سراسر افرازان فراز و نشیب ها بیرون آمده و هویت خاصی دارد و دانشجویان هم برای آن احترام خاصی قایل هستند و می شود گفت اصیل ترین، مشروع ترین و دمکرات ترین مجموعه دانشجویی کشور است، اما نمی توان جنبش دانشجویی را کلاً به دفتر تحکیم وحدت اطلاق نمود. وی با توضیح اینکه در ایران هیأت حاکمه و احزاب می خواستند جنبش دانشجویی را طعمه خود کنند، ولی به دلیل زیرکی این جنبش موفق نبوده اند، اضافه می کند: **به نظر من، عده ای در راه یابی به مناصب حکومتی از رانت جنبش دانشجویی استفاده کردند، یعنی از محبوبیت جنبش دانشجویی استفاده کردند و به رغم ناشایستگی خودشان، وارد ارکان قدرت شدند. همین عامل و سوء استفاده از محبوبیت و قدرت معنوی جنبش دانشجویی به کناره گیری و انزوای عده ای از**

دانشجویان از جریانات دانشجویی منجر شد. آقای احمدی، دبیر انجمن اسلامی دانشگاه تربیت معلم نیز درباره سوء استفاده از جنبش دانشجویی می گوید: **به نظر من، احزاب و گروه ها پس از وقوع دوم خرداد دیدند که جنبش دانشجویی این توانایی را دارد که قدرت را از جناحی بگیرد و به جناح دیگر بپردازد و بر سر همین بود که این احزاب تلاش کردند به نوعی در جنبش دانشجویی نفوذ کنند و عده ای هم با استفاده از رانت جنبش دانشجویی و توجه همین احزاب و جناح ها، در جاهایی که اصلاً صلاحیتش را نداشتند، قرار گرفتند. این استفاده جناح ها و احزاب به خاطر آن بود که از جنبش دانشجویی حق السکوت بگیرند که تا حدودی موفق شدند. یعنی نوعی باج دهی شکل گرفت. الان هم اختلافی که بین جنبش دانشجویی وجود دارد، این است که جنبش می خواهد این افراد سوء استفاده کننده را کنار بزند.**

معاون دبیر انجمن اسلامی دانشگاه صنعتی شریف نیز که هوادار فراقسیون مدرن دفتر تحکیم وحدت است، درباره نقش این دفتر بر جریان های دانشجویی می گوید: **البته یکی از اشتباه هایی که می شود همین است که دفتر تحکیم وحدت به عنوان یک مجموعه شورایی و خط دهنده و سیاست گذار مجموعه انجمن های اسلامی مطرح می شود، اما به نظر من، درست برعکس این است، یعنی به لحاظ تشکیلاتی، این مجموعه انجمن های اسلامی هستند که اتحادیه را تشکیل می دهند و آن شورای مرکزی هم به لحاظ تشکیلاتی، منتخب این مجموعه پایین است. بنابراین سیاست گذاری این مجموعه با همین انجمن های اسلامی دانشجویان است.**

اما آقای براتی در عین حال می پذیرد که دفتر تحکیم وحدت به نوعی نقش شیرازه جنبش دانشجویی را بازی می کند.

اختلافات: زمینه های پیدایش حوادث جاری

ریشه بروز اختلافات حاضر در دفتر تحکیم وحدت به حدود دو سال پیش و خارج از مجموعه انجمن های اسلامی بازمی گردد. چنانکه ناظران امور دانشجویی می گویند، در حقیقت پس از پیروزی اصلاح طلبان در انتخابات مجلس شورای اسلامی و شروع به کار مجلس، برخی از نظریه پردازان هوادار اصلاحات با انتقاد از ناکامی های دولت آقای سید محمد خاتمی و عملکرد وی، روند جاری اصلاحات را مأیوس کننده توصیف و برای دست یابی به آرمان های دوم خرداد لزوم اجرای پروژه عبور از خاتمی را مطرح کردند. با دامنه دار شدن این نظریه، برخی از اعضای

رادیکال و تندروی انجمن اسلامی نیز از این نظریه دفاع و آن را در بدنه انجمن‌های اسلامی منتشر کردند. کم‌کم نظریه عبور از خاتمی صورتی جدید یافت و به صورت نقد منصفانه دولت آقای خاتمی و نگاه نقادانه به قدرت حاکمه در میان اعضای انجمن‌های اسلامی هوادارانی پیدا کرد.

اما گروه مقابل که اتفاقاً نمایندگان نیز در نهادهای حکومتی داشت، نگاه انتقادی به قدرت را رد کرد و شیوع این تفکر را توطئه‌ای که جناح دوم خرداد را تهدید می‌کند، نامید.

در همین حال، نشریات محافظه‌کار، شیوع نظریه عبور از خاتمی در جامعه و نقد قدرت در دانشگاه‌ها را وجه افتراق اصلاح‌طلبان از حکومت و... خیانت به آقای خاتمی دانستند و غیرمستقیم از دیدگاه دوم حمایت کردند.

با تثبیت شدن این دو دیدگاه، دو فراکسیون در میان اعضای اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان سراسر کشور موسوم به دفتر تحکیم وحدت به وجود آمد. نخست افرادی بودند که در گذر زمان و با حمایت از احزاب قدیمی دوم خرداد مانند مجمع روحانیون مبارز، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی و... سعی در ایجاد جبهه واحدی از اصلاح‌طلبان داشتند. این گروه که خود را فراکسیون سنتی نامیدند، بعداً به دو گروه سنتی افراطی و سنتی میانه رو تقسیم شدند. همچنین فراکسیون مذکور به دلیل نزدیکی برخی چهره‌های شاخص نظام و انقلاب، نوعی حاشیه امن برای خود ایجاد کرد. چنانکه هر چند پس از بسته شدن روزنامه‌ها و نشریات دوم خرداد انتظار می‌رفت که برخی دفاتر انجمن اسلامی دانشجویان نیز با برخوردی سخت مواجه شوند و حتی برخی از این دفاتر توقیف و تعطیل شوند اما چنین نشد و به جز چند بازداشت و تعدادی احضار، ضربه‌ای به اعضای اتحادیه وارد نگردید.

اما در مقابل این فراکسیون، هواداران نقد قدرت بودند که خود را فراکسیون مدرن نامیدند. این گروه که برخی، آنان را تأثیر پذیرفته از نظریه پردازان ملی-مذهبی می‌دانند، اعتقاد دارند که آقای خاتمی تاکنون و به ویژه پس از انتخاب کابینه، حرکتی دلگرم‌کننده نداشته و نتوانسته است اصلاحات را چنان که باید به پیش ببرد.

این اختلاف کم‌کم در دفتر تحکیم وحدت ریشه دوآیند تا این که در انتخابات شورای تحقیق که در اواخر شهریور ماه ۱۳۷۹ در دانشگاه تربیت معلم برگزار شد، فراکسیون مدرن هر سه کرسی شورای تحقیق را به دست آورد و بدین ترتیب، خود را برای حضور جدی در انتخابات شورای مرکزی دانشجویان آماده کرد.

همچنین برخی اعضای این فراکسیون در جلسه انتخابات شورای مرکزی ۷۹ که در اصفهان برگزار شد، با متهم کردن آقای سید محمد مهدی طباطبایی (رأس فراکسیون سنتی) به همکاری با وزارت اطلاعات و دادگاه انقلاب، افشای اسرار تشکیلاتی و... تلاش کرد تا فراکسیون سنتی را از میدان خارج سازند. در همین جلسه، آقای طباطبایی نیز طی سخنانی با رد اتهامات وارده، آقای علی افشاری (رأس فراکسیون مدرن) را به همکاری با ضدانقلاب، بی‌توجهی به جنبش اصلاحات و مخالفت با دولت آقای سید محمد خاتمی متهم کرد.

پس از این جنگ لفظی، فراکسیون سنتی (اعم از سنتی میانه رو و سنتی افراطی) جلسه را ترک کردند و با کاهش عده حضار، نشست از رسمیت افتاد و به همین دلیل، انتخابات شورای مرکزی برگزار نشد.

چند ماه بعد، با دستگیری آقای علی افشاری، فراکسیون مدرن در دفتر تحکیم وحدت احساس کرد که فشار عناصر محافظه‌کار و دستگاه قضایی به پایگاه‌ها و چهره‌هایش آغاز شده و در صورت جدا شدن از دفتر تحکیم وحدت ممکن است هزینه‌های سنگینی را متحمل شود. به همین دلیل، ضمن عدول از مواضع خود در نشست شورای عمومی که در بهمن ماه ۷۹ در تبریز برگزار شد، به نوعی تفاهم با فراکسیون سنتی دست یافت. در این نشست، ۹ تن از فراکسیون مدرن نیز با انشعاب از این فراکسیون خواستار عضویت نماینده خود در شورای مرکزی شدند، اما در این جلسه فراکسیون‌های مدرن و سنتی تصمیم گرفتند که کرسی‌های شورای مرکزی را سه به سه میان خود تقسیم کنند و کرسی هفتم را به فردی مرضی‌الطرفین اختصاص دهند. به این ترتیب، عملاً آقای توکلی، رهبر انشعاب‌کنندگان از فراکسیون مدرن در فهرست نامزدان قرار نگرفت. اما دو طرف بر سر فرد مرضی‌الطرفین به توافق نرسیدند و این نشست نیز بدون معرفی اعضای شورای مرکزی به کار خود پایان داد. شورای عمومی انجمن‌های اسلامی در این جلسه مقرر کردند که شورای مرکزی پیشین همچنان به کار خود ادامه دهند.

در اردیبهشت ماه امسال و هنگامی که شورای عمومی دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه تربیت مدرس تشکیل جلسه داد، انشعاب‌کنندگان در فراکسیون مدرن در گفتگویی با بخش افراطی فراکسیون سنتی توانستند هیأت ریسه نشست را به دست بگیرند. پس از این اقدام، فراکسیون مدرن برآشفتم و با ترک نشست، دست به آبه‌ستراکسیون زد و به این ترتیب،

این جلسه شورای عمومی نیز ناکام ماند. پس از این روی داد و تقریباً تا ابتدای شهریور ماه امسال که اردوی عمومی دفتر تحکیم وحدت در دانشگاه تهران برگزار شد، عملاً هیچ نشست یا گردهمایی خاصی برگزار نشد و با شروع به کار اجلاس در تهران چشم‌ها به این همایش دوخته شد اما در این نشست، بر سر تقدم زمانی برخی برنامه‌ها میان فراکسیون‌های مدرن و سنتی اختلاف به وجود آمد و بدین ترتیب، آتش اختلاف دوباره شعله ور شد.

در این حال، در تاریخ دوشنبه چهارم شهریور ماه ۱۳۸۰ فراکسیون مدرن علیه فراکسیون سنتی دست به افشاگری زد و سپس شورای تحقیق ۱۳۷۹ که از میان هواداران فراکسیون مدرن انتخاب شده بودند، غیرقانونی بودن شورای مرکزی را اعلام کردند.

پس از وقوع جنگ لفظی در اردوی دفتر تحکیم وحدت در تهران فراکسیون سنتی با توجه به موضع‌گیری‌های فراکسیون مدرن در جریان جلسه پرسش و پاسخ اردو، دریافت که می‌تواند با برگزاری یک نشست، فراکسیون مدرن را منفعل و از صحنه خارج سازد. به همین دلیل، در هشتم شهریور ماه ۱۳۸۰ در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران، نشست شورای عمومی را به عنوان نشست ماقبل سالانه برگزار کرد. در مقابل، فراکسیون مدرن با شرکت نکردن در نشست، عملاً نشست را از رسمیت انداخت ولی فراکسیون سنتی با استناد به یکی از مواد اساسنامه دفتر، که برای برگزاری نشست ماقبل سالانه، به شورای مرکزی چهارده روز فرصت می‌دهد، توانست فردای همان روز نهم شهریور ماه ۱۳۸۰ نشست ماقبل سالانه را با حضور نصف به اضافه یک عضو در دانشکده مدیریت دانشگاه تهران برگزار کند. در این جلسه، علاوه بر اعطای حق رأی به هشت دانشگاه کشور، سه نفر به عنوان شورای تحقیق ۸۰ انتخاب شدند.

در همین حال، فراکسیون مدرن با غیرقانونی توصیف کردن فعالیت‌های شورای تحقیق ۸۰ نشست ماقبل سالانه را به دلیل عدم رعایت اساسنامه، کمی تعداد شرکت‌کنندگان دارای حق رأی و انتخاب افراد غیر عضو اتحادیه به عنوان شورای تحقیق، مردود اعلام و خود نشست موازی را در محل دفتر اتحادیه انجمن‌های اسلامی دانشجویان در تهران برگزار کردند. اما این نشست نیز به علت به حد نصاب نرسیدن تعداد شرکت‌کنندگان رسمیت پیدا نکرد و به این ترتیب، دودستگی موجود، فعال‌تر و عمیق‌تر شد.

مدرن، جناح‌های افراطی و میانه‌رو فراکسیون سنتی برگزار شد. این نشست هر چند از ابتدا بر ادامه تفاهم و گفت‌وگو با فراکسیون مدرن پای فشرد و شورای مرکزی می‌خواست ضمن جلوگیری از برگزاری انتخابات، از تسلط انشعاب‌کنندگان فراکسیون مدرن و جناح افراطی فراکسیون سنتی بر هیأت ریسه نشست جلوگیری کند، اما جناح افراطی فراکسیون سنتی با پیوند با انشعاب‌کنندگان فراکسیون مدرن بر هیأت ریسه تسلط یافت و زمینه برگزاری انتخابات شورای مرکزی را فراهم کرد. در این حال، نمایندگان دانشگاه‌های شهید بهشتی، تربیت مدرس و دانشگاه تهران بار دیگر شورای مرکزی، نشست را ترک کردند و نمایندگان باقی‌مانده علی‌رغم کاهش تعداد و بدون توجه به اساسنامه و احتمالاً برای حذف کردن فراکسیون مدرن دست به انتخاب دو تن از اعضای شورای مرکزی زدند.

در همین زمان، فراکسیون مدرن، هم‌صدا با فراکسیون سنتی میانه‌رو خواستار ادامه مذاکره و گفت‌وگو شد که این مذاکرات در حال حاضر، جریان دارد و امیدهایی را برای دست‌یابی به نتیجه‌ای بر اساس مساعی جمیل برانگیخته است.

نادر کریمی جونی

جناح سنتی افراطی و عطری، افضلی و عامری نسبت از فراکسیون مدرن تشکیل جلسه داد و توافق‌نامه‌ای ۱۲ ماده‌ای را صادر کرد.

در همین حال، فراکسیون سنتی نیز با اعلام زمان برگزاری نشست شورای عمومی در دانشگاه گیلان تصمیم گرفت بدون توجه به توفیق یا عدم توفیق کمیته حل اختلاف، روند جاری دفتر تحکیم وحدت را دنبال کند.

اما بر خلاف انتظار، موافقت‌نامه مذکور از سوی

پس از نشست دانشکده مدیریت، رهبران انجمن اسلامی دانشگاه‌های شهید بهشتی، تهران و تربیت مدرس با تشکیل جلسه‌ای به بررسی اوضاع پرداختند و با تدقیق در حوادث گذشته، عملکرد محافظه‌کاران، رفتار فراکسیون‌ها و... هدایتگر خط انشعاب در دفتر تحکیم وحدت را مجموعه‌ای در خارج از مجموعه دفتر اعلام و پیشنهاد کردند که مشکلات موجود با حضور نمایندگان دو فراکسیون و جناح افراطی فراکسیون سنتی، بررسی و آقایان جلالی پور، عبدی، کدیور،

ورود برخی چهره‌های شاخص پیشین دفتر تحکیم وحدت به دولت و مجلس و متهم شدن دفتر به همدستی با قدرت سیاسی حاکم، این دفتر را در موقعیت پیچیده‌ای قرار داده است

نماینده جناح افراطی فراکسیون سنتی امضاء نشد و بدین ترتیب، نشست‌های این کمیته نیز ناکام ماند و فراکسیون مدرن، نشست گیلان را تحریم کرد. اما این تحریم مانع از برگزاری نشست نشد و سرانجام نشست گیلان با حضور انشعاب‌کنندگان از فراکسیون

تاج‌زاده، آقاجری، علوی تبار و حجاریان نیز به عنوان میانجی‌گزار از سوی جبهه دوم خرداد در این کمیته عضویت یابند.

سرانجام این کمیته با حضور آقایان قبادی و اوحدی از فراکسیون سنتی میانه‌رو، منوچهری از

